و بر اولی العلم و افئده منيره واضح است که غيب هُويّه و ذات احديّه مقدّس از بروز و ظهور و صعود و نزول و دخول و خروج بوده و متعاليست از وصف هر واصفی و ادراک هر مدرکی لم يزل در ذات خود غيب بوده و هست و لايزال بکينونت خود مستور از ابصار و انظار خواهد بود لا تدرکه الأبصار و هو يدرک الأبصار و هو اللّطيف الخبير ...

و چُون ابواب عرفان ذات ازل بر وجه ممکنات مسدود شد لهذا باقتضای رحمت واسعه "سبقت رحمته کلّ شیء و وسعت رحمتی کلّ شیء" جواهر قدس نورانی را از عوالم روح روحانی بهياکل عزّ انسانی در ميان خلق ظاهر فرمود تا حکايت نمايند از آن ذات ازليّه و ساذج قدميّه و اين مرايای قدسيّه و مطالع هويّه بتمامهم از آن شمس وجود و جوهر مقصود حکايت مينمايند مثلاً علم ايشان از علم او و قدرت ايشان از قدرت او و سلطنت ايشان از سلطنت او و جمال ايشان از جمال او و ظهور ايشان از ظهور او و ايشانند مخازن علوم ربّانی و مواقع حکمت صمدانی و مظاهر فيض نامتناهی و مطالع شمس لايزالی ...

 و اين هياکل قدسيّه مرايای اوّليّهء ازليّه هستند که حکايت نموده‌اند از غيب الغيوب و از کلّ اسماء و صفات او از علم و قدرت و سلطنت و عظمت و رحمت و حکمت و عزّت و جود و کرم و جميع اين صفات از ظهور اين جواهر احديّه ظاهر و هويدا است و اين صفات مختصّ ببعضی دون بعضی نبوده و نيست بلکه جميع انبيای مقرّبين و اصفيای مقدّسين باين صفات موصوف و باين اسماء موسومند نهايت بعضی در بعضی مراتب اشدّ ظهورا و اعظم نوراً ظاهر ميشوند چنانچه ميفرمايد تلک الرّسل فضّلنا بعضهم علی بعض پس معلوم و محقّق شد که محلّ ظهور و بروز جميع اين صفات عاليه و اسمای غير متناهيه انبيا و اوليای او هستند خواه بعضی از اين صفات در آن هياکل نوريّه بر حسب ظاهر ظاهر شود و خواه نشود نه اينست که اگر صفتی بر حسب ظاهر از آن ارواح مجرّده ظاهر نشود نفی آن صفت از آن محالّ صفات الهيّه و معادن اسمآء ربوبيّه شود لهذا بر همه اين وجودات منيره و طلعات بديعه حکم جميع صفات اللّه از سلطنت و عظمت و امثال آن جاری است اگر چه بر حسب ظاهر بسلطنت ظاهره و غير آن ظاهر نشوند ...